

Examining the Relationship between Institutional Quality, Financial Inclusion, Social Development and Economic Growth in Iran: Simultaneous Equations System Approach

Niloufar Khatami¹

Department of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Hossein Sharifi Renani^{2*}

*Associate Professor of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran
(corresponding author)*

Bahar Hafezi³

Assistant Professor of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Abstract: *During the last decade, promoting financial inclusion has been considered as an ultimate goal to achieve inclusive growth in many countries, especially developing countries. In this regard, on the one hand, institutional quality can affect financial inclusion; On the other hand, if financial inclusion is realized in all its dimensions, it can affect economic growth. In addition, the fact that economic growth is based on social development cannot be ignored. Based on this, it can be concluded that there is probably a simultaneous relationship between institutional quality and financial inclusion on the one hand, and financial inclusion and social development with economic growth on the other hand. In this regard, in the present study, the relationship between institutional quality, financial inclusion, social development and economic growth in Iran was investigated based on the simultaneous equation system approach during the period from 1990 to 2022. The findings of the research showed that financial inclusion had a positive and significant effect on economic growth in Iran. We also found that institutional quality has a positive and significant effect on economic growth. In addition, it was observed that social development has also led to the promotion of economic growth in Iran. Therefore, financial inclusion and social development directly and institutional quality directly and indirectly and through strengthening financial inclusion have led to the improvement of Iran's economic growth during the period under review.*

Keywords: *Institutional Quality, Financial Inclusion, Social Development, Economic Growth, System of Simultaneous Equations.*

¹ Email: niloufarkhatami@yahoo.com

² Email: h.sharifi@khuif.ac.ir (Corresponding Author)

³ Email: b.hafezi@khuif.ac.ir

بررسی رابطه کیفیت نهادی، شمول مالی، توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی در کشور ایران: رویکرد سیستم معادلات همزمان

نیلوفر خاتمی^۱، حسین شریفی رنانی^{۲*}، بهار حافظی^۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۰۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

چکیده

در طول دهه گذشته، ترویج شمول مالی به عنوان یک هدف نهایی برای دستیابی به رشد فراگیر در بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه مورد توجه بوده است. در این خصوص، از یک طرف کیفیت نهادی می‌تواند بر شمول مالی اثر گذار باشد؛ از طرف دیگر، شمول مالی اگر در تمامی ابعاد خود تحقق پیدا کرده باشد، می‌تواند بر رشد اقتصادی اثر گذار باشد. بعلاوه مبتنی بودن رشد اقتصادی بر پایه توسعه اجتماعی را نمی‌توان نادیده گرفت. بر همین اساس می‌توان نتیجه گرفت احتمالاً نوعی رابطه همزمان بین کیفیت نهادی و شمول مالی از یک طرف و شمول مالی و توسعه اجتماعی با رشد اقتصادی از طرف دیگر وجود داشته باشد. در همین راستا در تحقیق حاضر به بررسی رابطه کیفیت نهادی، شمول مالی، توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی در ایران بر اساس رویکرد سیستم معادلات همزمان طی دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۲ پرداخته شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که شمول مالی اثرگذاری مثبت و معنادار بر رشد اقتصادی در ایران داشته است. همچنین دریافتیم کیفیت نهادی نیز توانسته اثرگذاری مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی داشته باشد. علاوه بر این مشاهده شد که توسعه اجتماعی نیز منجر به ارتقای رشد اقتصادی در ایران شده است. بنابراین شمول مالی و توسعه اجتماعی به صورت مستقیم و کیفیت نهادی به صورت مستقیم و غیر مستقیم و از طریق تقویت شمول مالی، منجر به بهبود رشد اقتصادی ایران طی دوره مورد بررسی شده است.

واژگان کلیدی: کیفیت نهادی، شمول مالی، توسعه اجتماعی، رشد اقتصادی، سیستم معادلات همزمان.

۱. مقدمه

تأثیر کیفیت نهادی بر شمول مالی اخیراً به موضوعی بسیار مورد بحث تبدیل شده است. با این حال، ملاحظات نظری و شواهد تجربی متناقض هستند. در حال حاضر دو رویکرد برای بررسی میزان تأثیر کیفیت محیطی که بانک‌ها در آن فعالیت می‌کنند بر دسترسی مالی واحدهای اقتصادی محروم از نظر مالی، مطرح است. رویکرد اول این است که صورت‌های مالی بانک‌ها یا شرکت‌ها و شاخص‌های

^۱ دانشجوی دکتری رشته اقتصاد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران،
(E mail: niloufarkhatami@yahoo.com)

^۲ دانشیار اقتصاد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
(E mail: h.sharifi@khuif.ac.ir)

^۳ استادیار اقتصاد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران،
(E mail: b.hafezi@khuif.ac.ir)

کلان اقتصادی برای توضیح تصمیم‌های ارائه خدمات مالی یا برقراری ارتباط وام دهی با مؤسسات مالی رسمی استفاده می‌شود. یافته‌های این مطالعات تأیید می‌کنند که عوامل محیطی باعث عدم دسترسی به خدمات مالی و تخصیص ناکارآمد این نوع خدمات می‌شوند (کاریکاری^۱، ۲۰۲۰). به عنوان مثال، ازیریم و همکاران^۲ (۲۰۲۰)، لاو و پریا^۳ (۲۰۲۱)، آندریانووا و همکاران^۴ (۲۰۲۳) و ذوالخیری و غزال^۵ (۲۰۲۳) معتقدند که هم کمبود مراکز اعتباری و هم عملکرد ضعیف نظارتی، تخصیص کارآمد منابع اقتصادی را برای بخش مالی دشوارتر می‌کند زیرا هزینه‌های مربوط به غربالگری و ایجاد رابطه وام دهی دشوار است.

رویکرد دیگر تنها از شاخص‌های اقتصاد کلان برای بررسی میزان و جهتی استفاده می‌کند که عوامل نهادی بر شمولیت مالی تأثیر می‌گذارند. با این حال، این رشته از تحقیقات نسبتاً محدود باقی مانده است زیرا مزایای شمول مالی در مقایسه با چگونگی بهبود شمول مالی توجهات زیادی را به خود جلب می‌کند (نگویان و همکاران^۶، ۲۰۲۲). تالماسیو^۷ (۲۰۲۱) و هشمی^۸ (۲۰۲۱) استدلال می‌کنند که توسعه مالی بیشتر یک مشکل نهادی است تا عدم تطابق عرضه و تقاضای خدمات مالی. آنها همچنین معتقدند که کیفیت خدمات مالی نسبت به توسعه مالی مقدم باشد یا حداقل به آستانه معینی رسیده باشد.

بر این اساس، مطالعات صورت گرفته توسط ال‌دوماتی و همکاران^۹ (۲۰۲۱) و موریو^{۱۰} (۲۰۲۳) در نظر می‌گیرند که تأثیر جغرافیایی زیرساخت‌های نهادی مهم است. با این حال، شاخصی که به عنوان نماینده‌ای برای شمول مالی استفاده می‌شود، این جنبه مهم زیرساخت نهادی را منعکس نمی‌کند. به طور خاص، شاخص شمول مالی مورد استفاده در تجزیه و تحلیل آنها از شاخص جهانی استفاده کرده که یک شاخص تک بعدی است و نشان دهنده «تعداد سپرده گذاران نزد بانک‌های تجاری» است.

بر همین اساس، در طول دهه گذشته، ترویج شمول مالی به وضوح به یک هدف نهایی برای دستیابی به رشد فراگیر برای بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است. به عنوان مثال، در ایالات متحده، قانون سرمایه‌گذاری مجدد جامعه در اواخر سال ۱۹۷۷ برای پوشش کسری اعتبار برای خانوارهای کم درآمد و با درآمد متوسط وضع شد. در نتیجه، افرادی که دارای تبعیض اعتباری هستند، می‌توانستند از مؤسسات مالی با رعایت عملیات ایمن و سالم وام بگیرند. به عنوان مثال برای کشور هند، بانک رزرو هند (RBI^{۱۱}) اقداماتی را آغاز کرد که هدف آنها افزایش فراگیری بخش مالی بوده است. این ابتکارات شامل (۱) کاهش محدودیت‌ها برای فرآیند افتتاح حساب و دریافت وام، (۲) اجازه دادن به بانک‌های تجاری برای باز کردن آزادانه حساب‌های مالی و (۳) توصیه به بانک‌ها برای ارائه حساب‌های پس انداز که خدمات اولیه مانند واریز و برداشت پول را ارائه می‌دهد. با این حال، مشاهده می‌شود که در حالی که اصلاحات مالی به نفع شمول مالی با موفقیت در یک کشور اجرا شده است، ممکن است در کشورهای دیگر مناسب نباشد (باراجاس و همکاران^{۱۲}، ۲۰۲۴).

بنابراین ممکن است همیشه ارتقای سطح شمول مالی اثرات دلخواه را نداشته است. ادبیات موجود، شمول مالی را به عنوان یک پدیده چند وجهی توصیف می‌کند. برای مثال، مطالعات وان و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۹) و کریم و همکاران^{۱۴} (۲۰۲۱) بحث می‌کنند که

¹ Karikari

² Ezirim et al.

³ Love and Peria

⁴ Andrianova et al.

⁵ Zulkhibri and Ghazal

⁶ N.T. Nguyen, H.S. Nguyen, C.M. Ho, D.H. Vo

⁷ Talmaciu

⁸ Hechmy

⁹ Eldomiaty et al

¹⁰ Muriu

¹¹ Reserve Bank of India (RBI)

¹² A. Barajas, T. Beck, M. Belhaj, S.B. Naceur

¹³ Van et al.

¹⁴ Karim et al

درجه شمول مالی توسط سه بعد مشخص تعیین می‌شود که عبارتند از قابلیت دسترسی^۱، در دسترس بودن^۲ و استفاده از خدمات بانکی^۳ و در صورتی شمول مالی می‌تواند اثرگذاری مد نظر خود را داشته باشد که در هر سه جنبه توسعه پیدا کرده باشد. علاوه بر شمول مالی و کیفیت نهادی، برای دستیابی به رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی نقش حیاتی دارد. بنابراین، باید پیوند توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی تحلیل شود. توسعه به دو عامل اجتماعی و اقتصادی بستگی دارد. بر این اساس شاخص‌های توسعه به شاخص‌های اجتماعی و شاخص‌های اقتصادی تفکیک می‌شوند. شاخص‌های اجتماعی توسعه شامل سلامت، آموزش، مسکن و اشتغال و غیره است که البته این شاخص‌ها دارای بعد اقتصادی هستند. عوامل موثر در بهبود کلی کیفیت زندگی به عنوان شاخص‌های اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند. شاخص‌های اجتماعی به عنوان حوزه‌ای گسترده‌تر و یکپارچه‌تر از دغدغه‌های اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند تا شاخص‌های اقتصادی. توسعه اجتماعی به این معناست که نیازهای اساسی انسان از طریق اجرا و احقاق حقوق بشر برآورده می‌شود. توسعه اجتماعی دموکراسی را برای مشارکت مردم در تعیین خط مشی و همچنین ایجاد محیطی برای حکمرانی پاسخگو ترویج می‌کند و بنابراین می‌تواند در تحقق رشد اقتصادی نقش موثری داشته باشد (حق شیپون^۴، ۲۰۲۳). بنابراین مشخص می‌شود از یک طرف کیفیت نهادی می‌تواند بر شمول مالی اثرگذاری داشته باشد که در این رابطه یک نتیجه گیری کلی وجود ندارد. از طرف دیگر، شمول مالی نیز تنها در صورتی می‌تواند اثرگذاری مثبت مد نظر خود بر رشد اقتصادی را داشته باشد که در تمامی جنبه‌های خود توسعه پیدا کرده باشد. بر اساس این استدلال‌ها، می‌توان نتیجه گیری نمود که ممکن است نوعی رابطه همزمان بین کیفیت نهادی و شمول مالی از یک طرف و شمول مالی و توسعه اجتماعی با رشد اقتصادی از طرف دیگر وجود داشته باشد که نیاز است تا بر اساس شواهد آماری این رابطه آزمون شود. بر همین اساس در تحقیق حاضر به بررسی رابطه کیفیت نهادی، شمول مالی، توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی در کشور ایران بر اساس رویکرد سیستم معادلات همزمان پرداخته می‌شود.

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۲-۱. تأثیر کیفیت نهادی بر شمول مالی

هم شمول مالی و هم کیفیت نهادی مفاهیمی چندوجهی و انتزاعی هستند. محققان اغلب از امکان دسترسی به خدمات مالی در راستای مشارکت در بازارهای مالی به عنوان شاخصی برای سنجش شمول مالی استفاده می‌کنند. علاوه بر این، محققین شمول مالی را به محیط کلان اقتصادی مرتبط می‌کنند که در آن عملکرد سیستم مالی به طور بهینه تسهیل و انجام می‌شود (چیهاک و همکاران^۵، ۲۰۲۳). این کارکردها شامل (۱) بهینه‌سازی و تسهیل تخصیص مجدد منابع، (۲) تشویق تجارت، (۳) تقویت حاکمیت شرکتی برای شرکت‌هایی که منابع مورد نیاز خود را از طریق بازارهای مالی جمع‌آوری می‌کنند، و (۴) ابزاری برای کاهش ریسک، می‌باشد. این بخش جنبه نظری رابطه بین کیفیت نهادی و عملکرد بازارهای مالی را مورد بحث قرار می‌دهد. در این رابطه، تئوری مالی مطرح شده توسط لاپورتا و همکاران^۶ (۲۰۰۷) و دمرگیک کانت و ماکسیمویچ^۷ (۲۰۰۸) به عنوان نقطه شروع بحث در نظر گرفته می‌شود که فرض می‌کنند توسعه مالی به طور قابل توجهی به ماهیت و کیفیت سیستم‌های قضایی بستگی دارد. نهادهای اقتصادی تشویق می‌شوند تا به فعالیت‌های مالی بپردازند که این موضوع به ویژه برای شرکت‌های کوچک و متوسط یا خانوارهای فقیر برجسته تر می‌باشد. اثربخشی نهادها همچنین به دسترسی به خدمات مالی مانند سپرده‌گذاری یا امکان

^۱ Accessibility

^۲ Availability

^۳ Usage of Banking Services

^۴ Ehsanul Haque Shipon

^۵ Cihak et al

^۶ La Porta et al.

^۷ Demirguc-Kunt and Maksimovic

دریافت وام مربوط می‌شود. کیفیت نهادی بهتر، میزان رویه‌های پرزحمت و غیر ضروری را در این گونه فعالیت‌ها کاهش می‌دهد و ارتباط نزدیکی با شمول مالی دارد. نظریه کیفیت نهادی شامل سه دسته بندی کلی در اقتصاد، فرهنگ و سیاست است. این دسته بندی گسترده در رابطه با امور مالی و نقش آنها در ارتقاء شمول مالی در زیر مورد بحث قرار می‌گیرد (کیم و حسن، ۲۰۲۱).

اولاً، بسیاری از مقالات در مورد پیوند بین شمول مالی و اثربخشی نهادی، منافع تحقیقاتی مشابهی دارند. یک دولت کارآمد غیر مداخله گر از نظر تئوریک با مقررات مناسب، سیستم مالیاتی مؤثر و درجه نسبتاً بالایی از بازاری شدن همراه است. برای مثال، مک کینون^۲ (۱۹۷۳) و شاو^۳ (۱۹۷۳) به نقش آزادسازی تجارت در غنی‌سازی پس‌انداز خانوارها اشاره کردند که به عنوان یک منبع مهم برای فعالیت‌های وام‌دهی در نظر گرفته می‌شوند. علاوه بر این، آنها همچنین استدلال می‌کنند که محدودیت‌های تعیین حد بالا و پایین سود اغلب به کاهش سطح سپرده‌ها و نرخ بهره مربوط می‌شود (وو و همکاران^۴، ۲۰۲۲). با این حال، استدلال‌های متضاد مورد بحث توسط بانرجی و نیومن^۵ (۲۰۱۳) مطرح شده است. این مطالعه نقش اساسی محدودیت‌های نظارتی را در ارائه دسترسی افراد (به ویژه فقرا) به کانال‌های تامین مالی متعدد نشان می‌دهد. این مطالعات همچنین فرض می‌کنند که در صورت وجود نقص در بازار، وام گرفتن برای عوامل اقتصادی پرهزینه و چالش برانگیز است و ممکن است این افراد ثروت کافی برای وثیقه‌گذاری جهت دریافت وام نداشته‌اند. علاوه بر این، خانوارهای فقیر به دلیل هزینه‌های بالای اداری، که عمدتاً به ماهیت انحصاری مشترک بین بانک‌ها نسبت داده می‌شود، از فعالیت‌های مالی منصرف می‌شوند (آوم و همکاران^۶، ۲۰۲۱).

دوم، در مورد آزادسازی تجارت و مقررات زدایی مالی، مکانیسمی که از طریق آن اثربخشی یک چارچوب قانونی و شمول مالی در حال تعامل است در نظر گرفته می‌شود. این پیوند همچنین در طول چندین دهه مورد توجه محققان مختلف قرار گرفته است. لاپورتا و همکاران (۱۹۹۸) در تحقیقات خود از تأثیر خانواده‌های مختلف بر تمایل سرمایه‌گذاران برای مشارکت در بازارهای سرمایه حمایت کرده‌اند. این مطالعات ارتباط بین استانداردهای حسابداری، اجرای قانون و توسعه بخش‌های سرمایه بر را بررسی کرده‌اند. ساختار سرمایه این بخش‌ها به شدت به منابع مالی خارجی متکی بوده است. استدلال‌های متضاد در مورد نقش مرکزی یک سیستم حقوقی در ایجاد قوانین حمایت از سرمایه‌گذار یا تسهیل توسعه بازار مالی در تحلیل‌های پاگانو و ولپین^۷ (۲۰۲۱) یافت می‌شود. در این مطالعات، نویسندگان فرض می‌کنند که اقتصاد سیاسی متغیر برون‌زا در تعیین درجه حمایت از سرمایه‌گذار نیست.

سومین جنبه کیفیت نهادی، رابطه بین فعالیت‌های متقلبان و هزینه اجتماعی آنهاست. کشورهای با درآمد بالا احتمالاً سیستم مالی بسیار مؤثرتری دارند و شهروندان آنها از آگاهی مالی بالایی برخوردار هستند. در این رابطه استدلال شده است که بزرگی فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند عملکرد دولت‌ها را توضیح دهد. از آنجایی که مقیاس هر اقتصاد خاص به عنوان یک متغیر درون‌زا شناخته می‌شود، این فرض به سختی منعکس کننده این عمل است که برخی بازارهای کوچک و نوظهور با کیفیت نهادی متمایز وجود دارد. ذوالخیری و غزال (۲۰۲۳) استدلال کردند که تقاضا برای خدمات مالی برای زندگی‌های مدرن و صرف نظر از درآمد آن‌ها، یک امر اساسی است. داهیا و کومار^۸ (۲۰۲۰) با استفاده از مدل بیزی VAR تأیید کردند که بعد استفاده از شمول مالی مستقیماً با رشد اقتصادی مرتبط است.

¹ D.W. Kim, J.S. Yu, M.K. Hassan

² McKinnon

³ Shaw

⁴ D.H. Vo, N.T. Nguyen, L.T.H. Van

⁵ Banerjee and Newman

⁶ D. Avom, C. Bangake, H. Ndoya

⁷ Pagano and Volpin

⁸ Dahiya and Kumar

۲-۲. تأثیر شمول مالی بر رشد اقتصادی

مطالعات پیشگام شومپتر^۱ (۱۹۱۱) و بعدها مک کینون (۱۹۷۳) دیدگاه‌های مالی را در مورد اقتصاد تغییر داده است. مطالعات قبلی معتقدند که رشد اقتصادی تنها تابعی از سرمایه فیزیکی و انسانی بوده و عوامل مالی دخیل نیست. با این حال، این تصور که عموماً به عنوان فرضیه پیروی از تقاضا شناخته می‌شود، به تدریج جایگاه خود را از دست داده است. بخش مالی انباشت سرمایه را تسهیل می‌کند و بهره‌وری کل عوامل موجود در جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را افزایش می‌دهد. اقتصاد مدرن، پایه و اساس ظهور شمول مالی را ایجاد می‌کند که وضعیت اقتصاد و جامعه‌ای را تعیین می‌کند که در آن هر واحد اقتصادی به خدمات مالی ارائه شده با قیمت‌های مقرون به صرفه و به شیوه‌ای پایدار دسترسی دارد (وان و همکاران^۲، ۲۰۲۳).

بررسی مطالعات انجام شده در زمینه رابطه میان شمول مالی و رشد اقتصادی نشان می‌دهد که در یک دسته بندی کلی، مبانی نظری مربوطه را میتوان به دو دسته اصلی تقسیم نمود. به این صورت که در دسته نخست، اثر شمول مالی و رشد اقتصادی از کانال دسترسی به خدمات مالی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و دسته دیگر به بررسی موضوع در چارچوب اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی پرداخته شد که در ادامه هر دو شاخه آورده شده است (ژکانسکی و پروس^۳، ۲۰۲۰).

در قالب رویکرد نخست، اثر شمول مالی بر رشد اقتصادی را از دو بُعد میتوان بررسی کرد. در واقع از منظر مالی، میتوان نشان داد که چگونه کارکردهای مختلف نظام مالی بر تصمیمگیری افراد و نگاه‌ها در خصوص پس انداز و سرمایه‌گذاری اثر گذاشته و در نهایت توسعه اقتصادی را تحت تاثیر قرار میدهد. در این چارچوب لوین^۴ (۲۰۰۵) پنج کارکرد اصلی یا نقش برای نظام مالی شرح داده است که عبارتند از: تولید اطلاعات برای ارزیابی فرصت‌های سرمایه‌گذاری؛ نظارت بر فرآیند سرمایه‌گذاری و بهبود حاکمیت شرکتی؛ تبادل، متنوع سازی و مدیریت ریسک؛ تجهیز و انباشت پس انداز؛ و در نهایت مبادلات کالا و خدمات. این کارکردها از طریق تخصیص کارا تر منابع، تسهیل انباشت سرمایه (فیزیکی و انسانی) و توسعه فناوری میتواند منجر به توسعه اقتصادی گردد (چیهاک و همکاران^۵، ۲۰۲۰).

در این راستا، اثر گسترش دسترسی و استفاده از خدمات مالی بر رشد اقتصادی، از دیدگاه واسطه‌گری مالی نیز قابل توجه است. به این معنا که بهبود واسطه‌گری مالی، منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعات و تسهیل مبادلات مالی شده و در نتیجه توسعه اقتصادی افزایش می‌یابد. لوین و همکاران^۶ (۲۰۰۰) نشان دادند که بهبود واسطه‌گری مالی تأثیر مثبتی بر توسعه اقتصادی داشته و تفاوت در سطوح توسعه مالی بین کشورها ناشی از ناهمگونی نظام‌های قانونی و حسابداری آنها است. همچنین بررسی تأثیر افتتاح بانک‌های تجاری جدید و افزایش دسترسی افراد کم درآمد به اعتبارات نشان میدهد که افزایش دسترسی به خدمات مالی منجر به بهبود سطح درآمد، افزایش سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای غیررسمی و کاهش نرخ بیکاری می‌گردد (احمد و مالیک^۷، ۲۰۱۹). در این چارچوب، شمول مالی از دو کانال منجر به افزایش توسعه اقتصادی می‌گردد. در کانال اول، دسترسی به خدمات مالی مقرون به صرفه، منجر به کاهش آسیب‌پذیری فقرا و بهبود استاندارد زندگی آنها می‌گردد. به این صورت که اعطای اعتبارات کم هزینه، زمینه را برای رشد تولید در مناطق روستایی فراهم کرده و سطح تولید و درآمد گروه‌های آسیب‌پذیر را افزایش میدهد. این رشد تولید در سطح خرد، با گسترش مقیاس اعتبارات میتواند به رشد و توسعه تولید ملی در سطح کلان بینجامد. کانال دوم، از طریق افزایش دسترسی افراد فاقد برخورداری مالی به سپرده و محصولات بیمه‌ای است. این امر منجر به انباشت پس انداز این افراد در نظام مالی شده و سپس بازار مالی، تخصیص کارآمد وجوه را در طرح‌های سرمایه‌گذاری بلند مدت تضمین می‌کند. به این

^۱ Schumpeter

^۲ Loan Thi-Hong Van, Nhan Thien Nguyen, Hung Le-Phuc Nguyen, Duc Hong Vo

^۳ Prus & Dziekański

^۴ Levine

^۵ M. Cihak, D.S. Mare, M. Melecky

^۶ R. Levine, N. Loayza, T. Beck

^۷ M.M. Ahamed, S.K. Mallick

ترتیب بازار مالی، ریسک نقدینگی را کاهش داده و باعث رشد بیشتر سرمایه‌گذاری می‌شود. این فرآیند همچنین منجر به افزایش تولید و اشتغال، بهبود توزیع درآمد و افزایش درآمد فقرا می‌گردد (کامارا و توستا^۱، ۲۰۲۳).

در دومین رویکرد، موضوع در چارچوب مباحث مربوط به توسعه مالی تحلیل شده است. در واقع شروع این شاخه از مباحث، به زمان بیان دیدگاه‌های شومپتر (۱۹۹۱) مبنی بر اهمیت نقش واسطه‌گری مالی در توسعه نوآوری‌های فناورانه و توسعه اقتصادی، مورد توجه و بحث پژوهشگران باز می‌گردد. فرضیه‌های مطرح شده در این رابطه را میتوان به ۴ گروه تقسیم نمود: فرضیه تأمین مالی - پیشبرنده رشد، فرضیه رشد - پیشبرنده تأمین مالی، فرضیه بازخورد و فرضیه خنثایی (آدوماکو و همکاران^۲، ۲۰۲۲).

بر اساس فرضیه تأمین مالی - پیشبرنده رشد، شمول مالی و افزایش دسترسی به منابع مالی، محرک رشد و توسعه اقتصادی است. بر پایه فرضیه رشد - پیشبرنده بخش مالی، این رشد و توسعه اقتصادی است که منجر به افزایش شمول مالی می‌گردد. فرضیه بازخورد، نشانگر رابطه دو سویه بین توسعه بخش مالی و توسعه اقتصادی است. بر این اساس، در گام اول اقتصاد نیاز به وجوه سرمایه‌ای نهادهای مالی برای حرکت در مسیر توسعه دارد. تا رسیدن اقتصاد به وضعیت پایدار، سطح پس انداز افراد افزایش یافته و سرمایه‌گذاران با افزایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری مبادرت به استقراض از نهادهای مالی به منظور سرمایه‌گذاری در طرح‌های سودآور می‌نمایند. گروه دیگری از محققان فرضیه خنثایی را مطرح کرده و نشان می‌دهند هیچگونه ارتباط مشخص و معناداری بین توسعه اقتصادی و شمول مالی وجود نداشته و دو متغیر کاملاً مستقل از هم عمل می‌کنند (آبراهامسن و هانسن^۳، ۲۰۲۱).

۲-۳. تأثیر توسعه اجتماعی بر رشد اقتصادی

توسعه اجتماعی را می‌توان اینگونه تعریف کرد: "فرآیندی که منجر به دگرگونی ساختارهای اجتماعی برای ارتقای ظرفیت یک جامعه به منظور تحقق اهداف آن می‌شود. هدف آن به طور خاص توسعه قدرت برای افزایش گسترش فعالیت‌های انسانی است". ایان موریس^۴ می‌گوید: "توسعه اجتماعی مجموعه‌ای از دستاوردهای فناوری، معیشتی، سازمانی و فرهنگی است که از طریق آن افراد تغذیه می‌کنند، لباس می‌پوشند، خانه‌دار می‌شوند و خود را بازتولید می‌کنند، جهان اطراف خود را توضیح می‌دهند، اختلافات را در جوامع خود حل می‌کنند، قدرت خود را در جامعه به هزینه جوامع دیگر گسترش می‌دهند و از خود در برابر تلاش دیگران برای گسترش قدرت دفاع می‌کنند" (جونز^۵، ۲۰۲۰).

به نظر می‌رسد که علاقه به توسعه اجتماعی به عنوان یک هدف سیاست توسعه با ناهمواری مشاهده شده در عملکرد اقتصادی کشورهای در حال توسعه ارتقاء یافته است. با وجود نرخ رشد مثبت و بالای تولید ناخالص داخلی، توسعه اقتصادی نتوانست به همه اقشار جامعه برسد. ۴۰ درصد فقیرترین مردم در اکثر کشورهای در حال توسعه به سختی از مزایای توسعه بهره‌مند شده‌اند.

آمارتیا سن^۶ (۱۹۹۸) استدلال می‌کند که "هدف رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه دستیابی به توسعه انسانی است". بنابراین، اگر کشوری که به توسعه اجتماعی دست یافته است، حتی قبل از رسیدن به سطوح بالای درآمد سرانه، به آن هدف دست یافته است. تجارب بسیاری از کشورها نشان داده است که سیاست‌های اجتماعی پویا که شامل نهادهای مناسب می‌شود، می‌تواند شرایطی را برای حفظ ثبات سیاسی، کاهش تضاد منافع و تقویت رشد اقتصادی ایجاد کند. اگر توسعه اجتماعی در سطوح پایینی قرار داشته باشد و مثلاً نابرابری وجود داشته باشد، بر کیفیت زندگی افراد تأثیر نامطلوب می‌گذارد و منجر به بروز فقر بیشتر می‌شود و بنابراین مانع پیشرفت در بهداشت و آموزش و افزایش جرم می‌شود و مشخص شد که نابرابری بالا ثبات سیاسی یک کشور را تهدید می‌کند، زیرا افراد بیشتری از وضعیت اقتصادی خود ناراضی هستند که دستیابی به اجماع سیاسی در میان گروه‌های جمعیتی

¹ N. Camara, D. Tuesta

² S. Adomako, A. Danso, J. Ofori Damoah

³ T.J. Abrahamsen, L.K. Hansen

⁴ Ian Morris

⁵ Janelle Jones

⁶ Amartya Sen

با درآمدهای بالاتر و پایین تر را دشوارتر می‌کند. بی‌ثباتی سیاسی خطرات سرمایه‌گذاری در یک کشور را افزایش می‌دهد و به طور قابل توجهی پتانسیل توسعه آن را تضعیف می‌کند. اینها از جمله دلایلی است که برخی از کارشناسان بین‌المللی توصیه می‌کنند برای کمک به تسریع رشد اقتصادی، نیاز است تا توسعه اجتماعی در کشور رخ دهد (دلار و کرای،^۱ ۲۰۲۲).

در این رابطه، محققان باید تصمیم بگیرند که چگونه می‌توانند تغییرات کیفیت زندگی را با داده‌های موجود به بهترین شکل ثبت کنند. مطالعات مختلف اهمیت متفاوتی را برای شاخص‌های اجتماعی هنگام اندازه‌گیری کیفیت زندگی قائل هستند. آمارتیاسن (۱۹۹۸) استدلال می‌کند که آمار مرگ و میر به اندازه متغیرهای درآمد مهم است زیرا نابرابری‌های اجتماعی، سوگیری‌های جنسیتی و نابرابری‌های نژادی را برجسته می‌کند. گیوسو و همکاران^۲ (۲۰۱۶) تنها بر ابعادی از پیامدهای اجتماعی که از نسل‌های قبلی به ارث رسیده‌اند، تمرکز می‌کنند، بنابراین از مشکلات علیت ناشی از رشد اقتصادی و پیامدهای اجتماعی که بر یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و تأثیر می‌گذارند اجتناب می‌کنند.

نتیجه‌گیری‌هایی در هر دو انتهای طیف پیرامون این موضوع وجود دارد. گروهی دریافته‌اند که رشد اقتصادی تقریباً در هر جنبه‌ای از زندگی بهبود می‌یابد. بارو^۳ (۱۹۹۶) و بارو و لی^۴ (۲۰۰۷) دریافته‌اند که آموزش، سلامت، آزادی‌های مدنی و سیاست‌های زیست‌محیطی همگی در دوره‌های رشد اقتصادی مثبت بهتر می‌شوند. دلار و کرای (۲۰۲۲) دریافتند که درآمد فقیرترین خانوارها با درآمد متوسط در کشورهای با درآمد کم و متوسط حرکت می‌کند. از سوی دیگر، ادبیات اخیر این نتایج را به چالش کشیده است که اهمیت توزیع درآمد و مزایای رشد را در بین گروه‌های مختلف جمعیت نشان می‌دهد. روونی و لی^۵ (۲۰۲۳) دریافتند که بسته به انواع سیاست‌های اقتصادی اجرا شده، نابرابری درآمد ممکن است با رشد اقتصادی بدتر شود یا بهبود یابد. پراساد^۶ (۲۰۱۹) با انجام یک مطالعه در منطقه جزایر اقیانوس آرام نشان می‌دهد که توسعه اجتماعی می‌تواند به رشد اقتصادی کمک کنند تا زمانی که بخشی از منابع دولتی به خدمات اجتماعی اختصاص داده شود.

فورسایت، کورزنویچ و دورانت^۷ (۲۰۲۰) ادبیات را به سه چارچوب نظری تقسیم می‌کنند: مدرنیزاسیون یا نوکلاسیک، زنان در توسعه (WID)^۸ و جنسیت و توسعه (GAD)^۹. دیدگاه "مدرنیزاسیون" بیان می‌کند که نابرابری بین جنسیت‌ها با رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. دیدگاه بیان شده در تئوری زنان در توسعه فرض می‌کند که نابرابری‌های جنسیتی از یک شکل U پیروی می‌کنند، زیرا در ابتدای روند رشد، این نابرابری‌ها تشدید می‌شوند و در درازمدت پس از عبور کشور از آستانه کاهش می‌یابند. رویکرد جنسیت و توسعه، دیدگاهی کاملاً متفاوت دارد و بیان می‌کند که نابرابری‌ها ناشی از عوامل نهادی است و روند رشد اقتصادی ممکن است اوضاع را بدتر کند.

۲-۴. پیشینه تحقیق

سرفرازی و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای به بررسی مولفه‌ها و ابعاد حکمرانی خوب و نقش آن بر رشد و شکوفایی اقتصادی کشورهای در حال توسعه پرداخته‌اند. آن‌ها نشان دادند که یکی از عوامل موثر بر رشد اقتصادی، حکمرانی خوب می‌باشد. اگر چه رشد اقتصادی متأثر از رشد عوامل تولید است اما شیوه حکمرانی و اندازه دولت نیز بر رشد اقتصادی موثر می‌باشد. در میان عوامل نهادی بسیاری که ممکن است رشد اقتصادی کشورها را تحت تأثیر قرار دهد، به نظر میرسد کنترل فساد، حاکمیت قانون، ثبات

^۱ Dollar, David and Aart Kraay

^۲ Guiso, Sapienza, and Zingales

^۳ Barro

^۴ Barro and Lee

^۵ Reuveny and Li

^۶ Prasad

^۷ Forsythe, Korzeniewicz, and Durrant

^۸ Women in Development (WID)

^۹ Gender and Development (GAD).

سیاسی، حاکمیت قانون در کنار عواملی مانند مصرف انرژی نقش برجسته‌ای در فرایند رشد اقتصادی کشورها ایفا کنند. سیاست‌گذاران سیاسی و اقتصادی معتقدند توسعه حکمرانی خوب نقش کلیدی در توسعه سیاسی و رشد و شکوفایی اقتصادی کشورهای مورد بررسی بازی می‌کند.

مفتخری و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای به بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر رابطه سرمایه انسانی و رشد اقتصادی پرداخته‌اند. نمونه آماری شامل ۲۰ کشور توسعه یافته و در حال توسعه شامل ایران با استفاده از داده‌های بانک جهانی و موسسه لگاتوم، طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۸ در نظر گرفته شده است. در این پژوهش از مدل پانل پویای آستانه‌ای و روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) استفاده شده است. نتایج برآورد مدل نشان داده است که اثرگذاری سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی بستگی به سطح سرمایه اجتماعی دارد. به عبارت دیگر در شرایطی که سطح سرمایه اجتماعی پایین‌تر از آستانه $50/8$ از شاخص سرمایه اجتماعی باشد، سرمایه انسانی توان اثرگذاری مثبت بر رشد اقتصادی ندارد بلکه به دلیل مسائلی چون بیکاری فارغ التحصیلان و پدیده فرار مغزها تاثیری منفی نیز بر رشد اقتصادی برجای می‌گذارد. اما در صورتی که سطح سرمایه اجتماعی بالا باشد و از آستانه $50/8$ بالاتر رود، اثرگذاری سرمایه انسانی بر رشد مثبت می‌شود و در چنین جامعه‌ای سرمایه اجتماعی به عنوان بستری برای شکوفایی سرمایه انسانی عمل می‌کند.

بالونزاد و شجری (۱۴۰۰) رابطه علیت میان دو متغیر رشد اقتصادی و شمول مالی را مورد بررسی قرار دادند. برای این منظور در گام نخست، شاخص مورد نیاز برای شمول مالی با استفاده از روش شاخص‌سازی چند بُعدی بر مبنای حداکثر اطلاعات موجود طی دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۹ و برای کشورهای عضو اکو محاسبه گردیده و سپس با استفاده از آزمون علیت گرنجر بوت‌استرپ، موضوع مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که در ایران رابطه‌ای دو سویه میان رشد اقتصادی و شمول مالی برقرار است. در آذربایجان، جهت علیت از سمت رشد اقتصادی به شمول مالی است در حالی که در کشورهای افغانستان، قزاقستان و ترکیه شمول مالی علت رشد اقتصادی است.

صفریان و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای درباره الگوی حکمرانی خوب و توسعه اقتصادی در ایران و ترکیه (۱۳۹۸ تا ۱۳۸۷)، که مصادف با دوره حزب عدالت و توسعه در ترکیه و ریاست جمهوری احمدی نژاد و روحانی در ایران است، پرداختند. بر اساس آمار موسسات بین‌المللی، شاخص‌های اقتصادی در دو کشور متفاوت است. با توجه به این پیشینه، به نظر می‌رسد که مسائل حاکمیتی در دو کشور بر این موضوع تأثیر دارد. بنابراین، سوال اصلی در این مقاله این است که الگوی حکمرانی خوب در توسعه اقتصادی ایران و ترکیه در دوره مذکور چگونه بوده است؟ نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که وضعیت شاخص‌های حکمرانی خوب باعث بهبود یا کاهش شاخص‌های اقتصادی در دو کشور می‌شود و همچنین در دوره‌های خاص با یکدیگر مقایسه می‌شود.

متقی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای به بررسی نقش توسعه اجتماعی بر رشد اقتصادی پرداخته است. وی بیان داشته است که این مطالعه به بررسی ارتباط میان توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی کشورهای همجوار ایران و ترکیه می‌پردازد و به این منظور، وضعیت اقتصادی و اجتماعی این دو کشور را با استفاده از شاخص‌های مربوطه در دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۳۹۳ مورد بررسی قرار داده و با تخمین مدل اقتصاد سنجی، رابطه مستقیم میان شاخص‌های اجتماعی و استانداردهای زندگی (جمعیت جویای کار، سلامت) امید به زندگی) و آموزش (هزینه‌های انجام شده در بخش آموزش) در کنار شاخص‌های اقتصادی (صادرات، سرمایه) و رشد اقتصادی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. نتایج مقاله حکایت از این دارد که، شاخص‌های توسعه اجتماعی از عوامل اثرگذار در رشد اقتصادی کشورهای مذکور محسوب می‌شوند و به صورت میانگین یک واحد افزایش در شاخص‌های توسعه اجتماعی مورد استفاده در تحقیق حدود $3/5$ واحد رشد اقتصادی این دو کشور را بهبود می‌بخشد که این عامل به خوبی نشان دهنده تأثیرپذیری بالای رشد اقتصادی از توسعه اجتماعی در کنار فاکتورهای اقتصادی می‌باشد. همچنین داشتن تأثیر بالای متغیر جمعیت جویای کار

و امید به زندگی بر رشد اقتصادی میان متغیرهای مدل، نشان از تأثیر بالای سرمایه‌گذاری اقتصادی و سلامتی روی جمعیت، در رشد اقتصادی این دو کشور می‌باشد.

وان و همکاران^۱ (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه نامتقارن کیفیت نهادی بر شمول مالی در منطقه آسیا-اقیانوسیه پرداخته‌اند. در این مقاله، شاخص شمول مالی ۱۹ کشور در منطقه آسیا - اقیانوسیه از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۰ برآورد می‌شود. کیفیت نهادی با پنج شاخص شامل (۱) پیچیدگی تجاری، (۲) کیفیت نظارتی، (۳) آزادی سرمایه‌گذاری، (۴) اثربخشی دولت، و (۵) حاکمیت قانون تعیین می‌شود. تکنیک رگرسیونی آستانه‌ای نشان می‌دهد که اثرات نامتقارن کیفیت نهادی بر شمول مالی بسته به سطح درآمد در کشورهای نمونه اثبات می‌شود. دیگر یافته‌ها نشان می‌دهد که اثرات کیفیت نهادی بر شمول مالی بسته به سطح درآمد نامتقارن است. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که کشورهای با درآمد متوسط مانند ویتنام و سایر کشورهای نوظهور در منطقه آسیا-اقیانوسیه عمدتاً از اثرات مثبت اصلاحات نهادی برای تضمین رشد اقتصادی فرآگیرتر در آینده سود می‌برند.

جیما و مکونی^۲ (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای به بررسی شمول مالی و رشد اقتصادی در صحرای آفریقا پرداخته‌اند. برای این منظور از داده‌های بیست و شش (۲۶) اقتصاد جنوب صحرای آفریقا با استفاده از داده‌های ثانویه سالانه در سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ استفاده شد. در همین راستا، از تکنیک تجزیه و تحلیل مؤلفه اصلی برای توسعه یک شاخص ترکیبی منفرد برای گنجاندن مالی استفاده شده، در حالی که از ریشه واحد پانل، روش گشتاور تعمیم‌یافته و آزمون‌های هم‌انباشتگی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی برای ارزیابی ویژگی‌های ثابت و ارزیابی عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی و بررسی روابط بلندمدت بین شمول مالی و رشد اقتصادی استفاده شده است. علاوه بر این، از آزمون علیت گرنجر برای تأیید جهت و بزرگی علیت استفاده می‌شود. مطالعه حاضر نشان داد که شمول مالی و رشد اقتصادی رابطه بلندمدتی قوی دارند و علیت دوسویه وجود دارد که نشان‌دهنده هم‌افزایی بین این دو متغیر است.

پوشاپ و همکاران^۳ (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای به بررسی اثرات شمول مالی بر توسعه اقتصادی کشور هند با در نظر گرفتن اثرات تعدیل‌کننده استفاده از اینترنت پرداخته‌اند. آن‌ها بیان داشته‌اند که شمول مالی یک الگوی رشد اقتصادی در حال ظهور است، به ویژه در اقتصادهای در حال توسعه مانند هند، این یک فشارسنج ضروری برای رشد همه‌جانبه یک کشور و اقتصاد آن است. با این حال، هنوز بحث در مورد تأثیر شمول مالی بر دستیابی به توسعه پایدار وجود دارد. هدف این مطالعه تعیین این است که آیا شمول مالی به دستیابی به توسعه پایدار در هند کمک می‌کند و آیا مشترکان اینترنت به طور قابل توجهی بر اتصال بین شمول مالی و توسعه پایدار تأثیر می‌گذارند. داده‌های ثانویه از ۱۶ ایالت در هند برای سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۹ جمع‌آوری شده است. بنابراین، داده‌های نمونه جدید هستند و گستره بزرگی از کشور را پوشش می‌دهند. یافته‌های این تحقیق حاکی از این است که شمول مالی رابطه مثبت و معناداری با اهداف توسعه پایدار در هند دارد. با این حال، زمانی که تعداد مشترکین اینترنت زیاد باشد، ارتباط مثبت شمول مالی با توسعه پایدار کاهش می‌یابد.

احمد و همکاران^۴ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای به بررسی "تأثیر کیفیت حکمرانی و توسعه مالی بر توسعه اقتصادی کشورهای منتخب" پرداخته‌اند. برای این منظور از مدل حداقل مربعات معمولی پویا استفاده شده است. نتایج نشان‌دهنده وجود رابطه هم‌انباشتگی بین تحولات مالی، کیفیت نهادی و رشد پایدار طی دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹ می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که کیفیت حکمرانی و توسعه مالی عوامل محرک در رشد اقتصادی پایدار در طولانی مدت هستند. این مقاله پیامدهای مهم سیاست تقویت رشد پایدار در اقتصاد آسیای جنوبی را نشان می‌دهد و بیشتر بر توسعه مالی توجه کرده و از سمت مالی و اقتصاد و هزینه‌های دولتی صرف نظر کرده است.

¹ Loan Thi-Hong Van, Nhan Thien Nguyen, Hung Le-Phuc Nguyen, Duc Hong Vo

² Meshesha Demie Jima And Patricia Lindelwa Makoni

³ Aman Pushp And Rahul Singh Gautam And Vikas Tripathi And Jagjeevan Kanoujiya And Shailesh Rastogi And Venkata Mrudula Bhimavarapu And Neha Parashar

⁴ Ahmad Et Al

امرا و همکاران^۱ (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای به بررسی شمول مالی و رشد اقتصادی با تمرکز بر نقش حکمرانی در کشورهای منتخب منا پرداخته‌اند. برای این منظور روش گشتاورهای تعمیم یافته بر روی داده‌های سالانه ۴۴ بازار نوظهور و منطقه منا در دوره ۱۹۹۰-۲۰۱۸، با استفاده از تعدادی از معیارهای شمول مالی که خانوارها و دسترسی شرکت‌ها را پوشش می‌دهد، استفاده می‌شود. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که شمول مالی بر رشد سرانه تولید ناخالص داخلی در کشورهای منتخب تأثیر مثبت دارد. شمول مالی اندازه‌گیری شده با شاخص دسترسی مالی خانوارها تأثیر مثبت و آماری معناداری بر رشد اقتصادی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا دارد، اما رژیم‌های نظارتی با پشتوانه حاکمیت قانون، استقلال قضایی، اجرای قرارداد، کنترل فساد، و ثبات سیاسی مورد نیاز می‌باشد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که تأثیر دسترسی شرکت‌ها به منابع مالی تنها در حضور مؤسسات قوی از نظر آماری معنادار است. در نهایت، نتایج نشان می‌دهد که کشورهایی با سطوح نسبتاً پایین خدمات دسترسی مالی، مانند منطقه منا، بیشترین سود را از بهبود حکمرانی خواهند برد.

بلوم و همکاران^۲ (۲۰۱۹) در بررسی تأثیر شاخص‌های جمعیتی (به عنوان شاخص توسعه اجتماعی)، بر رشد اقتصادی، سه فرضیه مختلف را مورد بررسی قرار دادند: رشد جمعیت رشد اقتصادی را محدود می‌کند/ کاهش می‌دهد/ افزایش می‌دهد و به این منظور ساختار سنی جمعیت را مورد واکاوی قرار داد. در این مطالعه آنها مشاهده کردند که رفتار اقتصادی افراد در سنین مختلف زندگی متفاوت بوده و تأثیرات اقتصادی متفاوتی بر کشورها از خود بر جای می‌گذارد. این مطالعه نشان داد که کشورهایی که درصد بالایی از جمعیتشان را کودکان و نوجوانان (گروه وابسته) تشکیل می‌دهند، گرایش به استفاده بیشتر از منابع مراقبتی دارند و با رشد اقتصادی پایین تری مواجه می‌باشند و اگر درصد بالایی از جمعیت به گروه در سن کار معطوف باشد، کشور با رشد اقتصادی بیشتری مواجه می‌شود.

تحقیق حاضر از دو جنبه دارای نوآوری و تمایز نسبت به مطالعات گذشته است. اول این که، تحقیق حاضر، شاخص شمول مالی را از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۲ توسعه می‌دهد. شاخص بیان شده، جنبه‌های اساسی شمول مالی را در نظر می‌گیرد تا یک معیار ترکیبی و قابل مقایسه ایجاد کند و در عین حال اثر همبستگی بین اجزای آن را حذف کند. دوم، در تحقیق حاضر اثرات همزمان کیفیت نهادی بر شمول مالی؛ و شمول مالی و توسعه اجتماعی بر رشد اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهد که در تحقیقات گذشته مورد توجه قرار نگرفته است.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ نوع هدف پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود و هدف آن روش ساختن ارتباط بین کیفیت نهادی، شمول مالی، توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی برای کشور ایران است. از لحاظ بعد زمانی پژوهش حاضر یک پژوهش گذشته‌نگر به شمار می‌آید و از اطلاعات قبلی منتشر شده استفاده می‌نماید. بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها در تحقیق حاضر از روش کتابخانه‌ای و اطلاعات منتشر شده توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF)، پایگاه داده‌های بانک جهانی (WDI) و پایگاه داده‌های توسعه انسانی سازمان ملل متحد (UNHDR) استفاده می‌شود. در نهایت به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش رگرسیون سیستم معادلات همزمان استفاده می‌شود.

به منظور بررسی رابطه کیفیت نهادی، شمول مالی، توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی، به تبعیت از وان و همکاران (۲۰۲۳)، حقو شیپون (۲۰۲۳) و امراه و همکاران (۲۰۲۱)، از سیستم معادلات زیر استفاده می‌شود:

$$IFIt = c_0 + c_1 GI_t + c_2 GR_t + c_3 Infaltion_t + c_4 Popt + et \quad (1)$$

$$GR_t = c_0 + c_1 IFIt + c_2 ISDt + c_3 OILRt + c_4 GovEXt + c_5 FDt + c_6 Tradet + et \quad (2)$$

¹ Noha Emara And Ayah El Said

² Bloom et al

که در معادلات بیان شده:

شمول مالی (IFI): دو رشته تحقیق در برآورد شاخص شمول مالی وجود دارد. این دو رویکرد عموماً به عنوان رویکردهای ناپارامتریک و پارامتریک شناخته می‌شوند. رویکرد ناپارامتریک مورد توجه محققان مختلفی از جمله وان و همکاران (۲۰۱۹) و داهیا و کومار (۲۰۲۰) قرار گرفته است. در این اندازه‌گیری، درجه شمول مالی به صورت عددی با فاصله از وضعیت فعلی کشور تا نقطه ایده آل نشان داده می‌شود. همه شاخص‌ها که به عنوان ورودی برای محاسبات استفاده می‌شوند، نرمال می‌شوند. در نتیجه، شاخص فقط مقادیر ۰ تا ۱ را دریافت می‌کند. این رویکرد دو نقطه ضعف قابل توجه را نشان می‌دهد، از جمله (۱) همبستگی بین شاخص‌های فرعی که برای به تصویر کشیدن چند بعدی بودن شمول مالی استفاده می‌شوند و (۲) انتخاب‌های برون‌زای وزن برای هر بعد شمول مالی (کامارا و توستا، ۲۰۲۳).

در مورد رویکرد پارامتریک، احمد و مالیک (۲۰۱۹) استدلال کردند که شمول مالی شامل دو بعد است، یعنی (۱) گسترش مالی، که نشان دهنده نفوذپذیری سیستم مالی و استفاده مالی است، و (۲) دسترسی به خدمات مالی رسمی. در این رویکرد محققان از روش تجزیه و تحلیل مؤلفه اصلی (PCA) دو بعد شمول مالی را اندازه‌گیری می‌کنند. با این حال، مطالعه حاضر با این تحلیل‌ها متفاوت است. مطالعات قبلی به جای استفاده از مولفه‌های اصلی خاص برای دریافت سطح از پیش تعیین شده تغییرات، فقط مؤلفه‌هایی را حفظ می‌کنند که مقدار ویژه آنها بیشتر از یک است. با این حال، انجام این کار ممکن است مناسب نباشد زیرا اگر ماتریس واریانس و کوواریانس ناشناخته باشند، در نظر گرفتن بردارهای ویژه که مقادیر ویژه آنها بزرگتر از یک است، در تخمین شاخص شمول مالی گمراه کننده خواهد بود.

بر اساس نقاط ضعف رویکردهای قبلی، در این مقاله، یک شاخص جدید از شمول مالی توسعه داده می‌شود که می‌تواند برای اندازه‌گیری درجه شمول مالی به صورت سالانه مورد استفاده قرار گیرد. در شاخص پیشنهادی، دو بعد در نظر گرفته شده است، از جمله (۱) استفاده مالی و (۲) توسعه مالی. در این رابطه، از دو شاخص به عنوان نماینده‌ای برای نفوذ مالی استفاده می‌شود: (۱) تعداد شعب بانک تجاری به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ بزرگسال. و (۲) تعداد دستگاه‌های خودپرداز به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ بزرگسال. این شاخص‌ها سالانه از بررسی دسترسی مالی (FAS^۱) جمع‌آوری می‌شوند. برای اندازه‌گیری استفاده مالی نیز تعداد کارت‌های اعتباری به ازای هر ۱۰۰۰ بزرگسال محاسبه می‌شود. شاخص‌های مورد استفاده به عنوان نماینده برای هر یک از ابعاد شمول مالی همبستگی بالایی دارند. به عنوان مثال، کشوری با تعداد دستگاه‌های خودپرداز بالا نیز تمایل دارد که شعبه‌های بانکی بیشتری داشته باشد. به همین دلیل، از روش تجزیه و تحلیل مؤلفه اصلی (PCA) را برای ترکیب سه متغیر برای ساخت شاخص شمول مالی استفاده می‌شود. سه متغیر مورد نظر برای ساخت شمول مالی عبارتند از (۱) تعداد دستگاه‌های خودپرداز به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ بزرگسال، (۲) تعداد شعب بانک تجاری به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ بزرگسال؛ (۳) تعداد کارت‌های اعتباری به ازای هر ۱۰۰۰ بزرگسال. داده‌های مربوط به متغیر شمول مالی از پایگاه داده‌ای صندوق بین‌المللی پول (IMF) استخراج می‌شود.

رشد اقتصادی (GR): نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت ثابت سال ۲۰۱۵. داده‌های مربوط به این متغیر از پایگاه داده‌های بانک جهانی (WDI) استخراج می‌شود.

کیفیت نهادی (Institution): شاخص کیفیت نهادی که ترکیبی از معیارهای پیچیدگی تجاری، کیفیت نظارتی، آزادی سرمایه‌گذاری، اثربخشی دولت و حاکمیت قانون می‌باشد. داده‌های مربوط به این متغیر از پایگاه داده‌های موسسه فریزر استخراج می‌شود. توسعه اجتماعی (ISD^۲): شاخص توسعه اجتماعی ۲۰۰ شاخص را گرد هم می‌آورد و آنها را در مجموعه‌ای قابل استفاده از معیارها ترکیب می‌کند تا نحوه عملکرد جوامع مختلف را در شش بعد توسعه اجتماعی دنبال کند:

^۱ Financial Access Survey (FAS)

^۲ Indices of Social Development (ISD)

بررسی رابطه کیفیت نهادی، شمول مالی، توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی در کشور ایران: رویکرد سیستم معادلات همزمان / ۱۳۵

- کنشگری مدنی، سنجش استفاده از رسانه و رفتار اعتراضی
- باشگاه‌ها و انجمن‌ها که به عنوان عضویت در انجمن‌های داوطلبانه محلی تعریف می‌شوند
- انسجام بین گروهی که تنش‌ها و تبعیض‌های قومی و فرقه‌ای را اندازه‌گیری می‌کند
- ایمنی و اعتماد بین فردی
- برابری جنسیتی، منعکس‌کننده تبعیض جنسیتی.
- شمول اقلیت‌ها که سطوح تبعیض علیه گروه‌های آسیب‌پذیر را اندازه‌گیری می‌کند؛ مردم بومی، پناهندگان یا گروه‌های طبقه پایین تر (حق شیون، ۲۰۲۳).

بر اساس مفهوم معرفی شده، در تحقیق حاضر از شاخص توسعه اجتماعی (ISD) که به صورت سالانه توسط پایگاه داده‌های توسعه انسانی سازمان ملل متحد (UNHDR^۱) منتشر می‌شود، استفاده خواهد شد.

نرخ تورم (Inflation): نرخ سالانه شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI). داده‌های مربوط به این متغیر از پایگاه داده‌های بانک جهانی (WDI) استخراج می‌شود.

نرخ شهرنشینی (POP): نسبت جمعیت شهری به کل جمعیت. داده‌های مربوط به این متغیر از پایگاه داده‌های بانک جهانی (WDI) استخراج می‌شود.

درآمدهای نفتی (OILR): نسبت درآمدهای حاصل از فروش نفت خام به تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۱۵. داده‌های مربوط به این متغیر از پایگاه داده‌های بانک جهانی (WDI) استخراج می‌شود.

مخارج دولت (GoveEX): نسبت هزینه‌های عمومی دولت به تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۱۵. داده‌های مربوط به این متغیر از پایگاه داده‌های بانک جهانی (WDI) استخراج می‌شود.

توسعه مالی (FD): نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص توسعه مالی. داده‌های مربوط به این متغیر از پایگاه داده‌های بانک جهانی (WDI) استخراج می‌شود.

درجه بازبودن تجاری (Trade): نسبت صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۱۵. داده‌های مربوط به این متغیر از پایگاه داده‌های بانک جهانی (WDI) استخراج می‌شود.

با توجه به این که در معادله شماره (۱)، شمول مالی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده و کیفیت نهادی متغیر مستقل است که بر اساس مبانی نظری مطرح شده می‌تواند بر شمول مالی اثر داشته باشد، و در معادله شماره (۲)، رشد اقتصادی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده در حالی که شمول مالی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده، می‌توان نوعی وابستگی همزمان بین دو معادله رو در نظر گرفت، بر همین اساس، به منظور برآورد الگوهای تحقیق، از رویکرد سیستم معادلات همزمان استفاده می‌شود و روش تخمین سیستم معادلات همزمان نیز مبتنی بر رویکرد رگرسیون‌های به ظاهر غیر مرتبط تکراری (SUR) می‌باشد. کلیه تجزیه و تحلیل‌ها نیز با کمک نرم افزار ایویوز نسخه ۱۳ انجام خواهد شد. نمونه آماری تحقیق نیز کشور ایران طی دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۲ می‌باشد.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. محاسبه شاخص شمول مالی

همان‌طور که در قسمت روش تحقیق تعریف شد، سه متغیر مورد نظر برای ساخت شمول مالی عبارتند از (۱) تعداد دستگاه‌های

^۱ United Nations Human Development Reports

خودپرداز به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ بزرگسال (ATM)، (۲) تعداد شعب بانک تجاری به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ بزرگسال (Branch)؛ (۳) تعداد کارت‌های اعتباری به ازای هر ۱۰۰۰ بزرگسال (Card). روش محاسبه شاخص نیز بر اساس رویکرد مدل تحلیل عاملی (PCA) به شرح جدول ذیل می‌باشد:

جدول ۱- نتایج حاصل از برآورد مدل تحلیل عاملی PCA

مولفه ها	ارزش مولفه‌ها در توضیح واریانس	سهم مولفه‌ها در توضیح واریانس	ارزش تجمعی مولفه‌ها در توضیح واریانس	سهم تجمعی مولفه‌ها در توضیح واریانس
ATM	7.207840	0.4240	7.207840	0.4240
Branch	2.894772	0.3703	10.10261	0.5943
Card	1.558430	0.2057	11.66104	0.6859

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از روش تحلیل مولفه‌های اصلی نشان می‌دهد که به ترتیب مولفه اول یعنی تعداد دستگاه‌های خودپرداز به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ بزرگسال (ATM)، مولفه دوم یعنی تعداد شعب بانک تجاری به ازای هر ۱۰۰۰۰۰ بزرگسال (Branch) و مولفه سوم یعنی تعداد کارت‌های اعتباری به ازای هر ۱۰۰۰ بزرگسال (Card)، به میزان حدود ۴۲ درصد، ۳۷ درصد، ۲۰ درصد واریانس را توضیح می‌دهند، بنابراین بر اساس وزن‌های برآورد شده، شاخص شمول مالی ایجاد می‌شود:

$$IFI = 0/4240 \text{ ATM} + 0/3703 \text{ Branch} + 0/2057 \text{ Card} \quad (۳)$$

پس از محاسبه شاخص شمول مالی، در ادامه به تخمین مدل‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

۲-۴. برآورد سیستم معادلات همزمان

در اقتصادسنجی داده‌های سری زمانی فرض بر این است که داده‌های مورد استفاده، استقلال مقطعی دارند. این فرض همانند فرض‌های دیگر ممکن است برقرار نباشد، پس اولین مرحله قبل از انجام هرگونه آزمونی، تشخیص وابستگی یا استقلال مقطعی می‌باشد که در این پژوهش از آزمون وابستگی مقطعی پسران^۱ استفاده شده است و نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- نتایج آزمون وابستگی مقطعی پسران

متغیرها	نماد	مقدار آماره آزمون پسران	معناداری (Prob)
شمول مالی	IFI	۱۳/۳۹	۰/۰۰۰
رشد اقتصادی	GR	۴۹/۳۹	۰/۰۰۰
کیفیت نهادی	GI	۱۱/۴۱	۰/۰۰۰
نرخ تورم	Inflation	۸۰/۰۸	۰/۰۰۰
نرخ شهرنشینی	Pop	۱۰/۰۷	۰/۰۰۰
درآمد نفتی	OILR	۶۷/۲۸	۰/۰۰۰
مخارج دولت	GoveEX	۵/۳۸	۰/۰۰۰
توسعه مالی	FD	۹۵/۵۶	۰/۰۰۰
درجه بازبودن تجاری	Trade	۱۰۴/۳۹	۰/۰۰۰
توسعه اجتماعی	ISD	۳۵۶/۹۵	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

^۱ Pesaran CD

در این آزمون فرضیه صفر، بیانگر عدم وجود وابستگی مقطعی در متغیرهای مورد آزمون است. همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد مقدار احتمال آماره آزمون پسران برای متغیرها کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، بنابراین فرضیه صفر آزمون پسران رد می‌شود و وابستگی مقطعی در متغیرهای ذکر شده وجود دارد. هرگاه وابستگی مقطعی در داده‌های تابلویی تأیید شود، استفاده از روش‌های مرسوم ریشه واحد مانند آزمون‌های دیکی فولر تعمیم یافته (ADF)، فلیس پرون (PP) و ... احتمال وقوع نتایج ریشه واحد کاذب را افزایش خواهد داد. برای رفع این مشکل آزمون‌های متعددی مانند آزمون ریشه واحد پسران و آزمون ریشه واحد هادری و راثو^۱ برای بررسی مانایی وجود دارد. مزیت آزمون مانایی هادری و راثو نسبت به آزمون ریشه واحد پسران این است که شکست ساختاری و وابستگی مقطعی را بطور همزمان در نظری می‌گیرد. بنابراین در این مطالعه از آزمون ریشه واحد هادری و راثو استفاده شده است. فرضیه صفر در این آزمون مانا در مورد متغیرهای مورد آزمون است. در صورتی که مقادیر بحرانی در سطوح ۹۹، ۹۷/۵، ۹۵ و ۹۰ درصد بیشتر از آماره‌ی مانایی باشد در این صورت فرضیه صفر رد نمی‌شود، در نتیجه متغیر مورد نظر مانا است.

جدول ۳- نتایج آزمون ریشه واحد هادری و راثو

نتیجه	آماره مانایی HR	P-Value	مقادیر بحرانی در سطوح اطمینان مختلف				متغیر
			% ۹۰	% ۹۵	% ۹۷/۵	% ۹۹	
مانا	۰,۳۴۶	۱,۰۰۰	۹,۲۱۹	۱۱,۳۴۷	۱۳,۲۷۴	۱۸,۴۵۹	IFI
مانا	۰,۲۱۱	۱,۰۰۰	۴,۹۶۳	۵,۳۷۴	۶,۲۹۷	۷,۳۱۴	GR
مانا	□□□□□	۱,۰۰۰	۱۰,۷۲۹	۱۲,۹۲۷	۱۴,۲۳۱	۱۸,۵۲۶	GI
مانا	۰,۲۵۰	۱,۰۰۰	۵,۶۳۴	۵,۹۲۴	۶,۳۴۷	۷,۶۳۴	Inflation
مانا	۰,۱۶۶	۱,۰۰۰	۹,۳۴۸	۱۳,۹۳۷	۱۶,۵۶۷	۲۰,۲۹۷	Pop
مانا	۰,۱۰۲	۱,۰۰۰	10.065	4.229	10.065	16.607	OILR
مانا	۰,۱۹۹	۱,۰۰۰	7.112	4.496	7.112	12.485	GoveEX
مانا	۰,۵۸۸	۱,۰۰۰	9.470	4.839	9.470	7.245	FD
مانا	۰,۴۴۳	۱,۰۰۰	10.070	3.255	10.070	8.045	Trade
مانا	۰,۲۳۵	۱,۰۰۰	8.361	5.125	9.378	5.425	ISD

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج جدول ۳، مقادیر بحرانی همه متغیرهای مورد نظر بیشتر از آماره‌ی مانایی می‌باشد، بنابراین فرضیه صفر رد نمی‌شود و همه متغیرها مانا هستند. در سیستم معادلات همزمان قبل از برآورد مدل باید قابلیت تشخیص معادله، مشخص شود برای قابلیت تشخیص معادله از شرط درجه‌ای و رتبه‌ای استفاده می‌شود. با توجه به شرط درجه‌ای و رتبه‌ای در قابلیت تشخیص معادله در سیستم معادلات همزمان که در جدول ۴ آورده شده است، سیستم معادلات بیش از حد مشخص است. بنابراین می‌توان آن را تخمین زد.

قدم بعد برآورد معادله سیستم معادلات، استفاده از روش رگرسیون‌های به ظاهر مرتبط غیر تکراری SUR است. نتایج برآورد الگو در جدول ۵ آورده شده است.

¹ Hadri and Rao

جدول ۴- قابلیت تشخیص برای متغیرهای سیستم معادلات همزمان

قابلیت تشخیص	تعداد متغیرهای درونزای معادله منهای یک (M-1)	تعداد متغیرهای از پیش تعیین شده خارج مانده از معادله (K-k)
بیش از حد مشخص	۸	۲
رتبه ماتریس ضرایب متغیرهای (درونزا و از قبل تعیین شده) خارج از معادله		
بیش از حد مشخص	۶	
بیش از حد مشخص	شرط درجه‌ای و رتبه‌ای	

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۵- نتایج برآورد سیستم معادلات همزمان

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
عرض از مبدا مدل اول	0/013	0/006	2/121	0/0123
GI	0/024	0/011	2/251	0/0246
GR	0/086	0/020	4/299	0/0000
Inflation	-0/057	0/013	-4/316	0/0000
POP	0/075	0/025	2/939	0/0050
عرض از مبدا مدل دوم	-0/181	0/033	-5/470	0/0000
IFI	0/030	0/012	2/428	0/0037
ISD	۰/۰۹۲	۰/۰۱۰	۳/۳۶۵	۰/۰۰۰۰
OILR	-0/022	0/010	-2/181	0/0016
GovEX	0/104	0/046	2/259	0/0024
FD	0/089	0/028	3/149	0/0001
Trade	0/778	0/572	4/359	0/0002
آماره R2	مدل اول	۰/۸۷	مدل دوم	۰/۸۹
آماره R2 تعدیل شده	مدل اول	۰/۷۶	مدل دوم	۰/۷۶
آماره دوربین واتسون	مدل اول	۲/۱۸	مدل دوم	۱/۹۹

منبع: یافته‌های پژوهش

مقدار ضریب تعیین مدل‌های برآورد شده نشان می‌دهد که ۸۷ درصد تغییرات متغیر شمول مالی توسط متغیرهای مستقل مدل اول و ۸۹ درصد تغییرات متغیر رشد اقتصادی توسط متغیرهای مستقل مدل دوم توضیح داده می‌شود. همچنین از آن جا که مقدار آماره دوربین واتسون برای هر دو مدل در محدوده ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، مدل فاقد خودهمبستگی شدید مرتبه اول می‌باشد.

طبق نتایج مشاهده می‌شود که در معادله‌ای که متغیر شمول مالی متغیر وابسته است:

- متغیر کیفیت نهادی (GI) اثرات مثبتی بر شاخص شمول مالی در کشور ایران داشته است به طوری که به ازای یک درصد افزایش در شاخص کیفیت نهادی، متغیر شمول مالی به میزان ۰/۰۲ درصد افزایش خواهد داشت. همچنین مشاهده می‌شود این اثرگذاری در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار بوده است.

- متغیر رشد اقتصادی (GR) اثرات مثبتی بر شاخص شمول مالی در کشور ایران داشته است به طوری که به ازای یک درصد افزایش در شاخص رشد اقتصادی، متغیر شمول مالی به میزان ۰/۰۸ درصد افزایش خواهد داشت. همچنین مشاهده می‌شود این اثرگذاری در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار بوده است.

- متغیر نرخ تورم (Inflation) اثرات منفی بر شاخص شمول مالی در کشور ایران داشته است به طوری که به ازای یک درصد افزایش در نرخ تورم، متغیر شمول مالی به میزان ۰/۰۵ درصد کاهش خواهد داشت. همچنین مشاهده می‌شود این اثرگذاری در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار بوده است.

بررسی رابطه کیفیت نهادی، شمول مالی، توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی در کشور ایران: رویکرد سیستم معادلات همزمان ۱۳۹/

- متغیر نرخ شهرنشینی (Pop) اثرات مثبتی بر شاخص شمول مالی در کشور ایران داشته است به طوری که به ازای یک درصد افزایش در شاخص نرخ شهرنشینی، متغیر شمول مالی به میزان ۰/۰۷ درصد افزایش خواهد داشت. همچنین مشاهده می‌شود این اثرگذاری در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار بوده است.

همچنین مشاهده می‌شود که در معادله‌ای که رشد اقتصادی متغیر وابسته است:

- متغیر شمول مالی (IFI) اثرات مثبتی بر شاخص رشد اقتصادی در کشور ایران داشته است به طوری که به ازای یک درصد افزایش در متغیر شمول مالی، متغیر رشد اقتصادی به میزان ۰/۳۰ درصد افزایش خواهد داشت. همچنین مشاهده می‌شود این اثرگذاری در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار بوده است.

- متغیر توسعه اجتماعی (ISD) اثرات مثبتی بر شاخص رشد اقتصادی در کشور ایران داشته است به طوری که به ازای یک درصد افزایش در متغیر توسعه اجتماعی، متغیر رشد اقتصادی به میزان ۰/۰۹ درصد افزایش خواهد داشت. همچنین مشاهده می‌شود این اثرگذاری در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار بوده است.

- متغیر درآمد نفتی (OILR) اثرات منفی بر شاخص رشد اقتصادی در کشور ایران داشته است به طوری که به ازای یک درصد افزایش در متغیر درآمد نفتی، متغیر رشد اقتصادی به میزان ۰/۰۲ درصد کاهش خواهد داشت. همچنین مشاهده می‌شود این اثرگذاری در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار بوده است.

- متغیر مخارج عمومی دولت (GovEX) اثرات مثبتی بر شاخص رشد اقتصادی در کشور ایران داشته است به طوری که به ازای یک درصد افزایش در متغیر مخارج عمومی دولت، متغیر رشد اقتصادی به میزان ۰/۱۰ درصد افزایش خواهد داشت. همچنین مشاهده می‌شود این اثرگذاری در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار بوده است.

- متغیر توسعه مالی (FD) اثرات مثبتی بر شاخص رشد اقتصادی در کشور ایران داشته است به طوری که به ازای یک درصد افزایش در متغیر توسعه مالی، متغیر رشد اقتصادی به میزان ۰/۰۸ درصد افزایش خواهد داشت. همچنین مشاهده می‌شود این اثرگذاری در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار بوده است.

- متغیر درجه بازبودن تجاری (Trade) اثرات مثبتی بر شاخص رشد اقتصادی در کشور ایران داشته است به طوری که به ازای یک درصد افزایش در متغیر درجه بازبودن تجاری، متغیر رشد اقتصادی به میزان ۰/۷۷ درصد افزایش خواهد داشت. همچنین مشاهده می‌شود این اثرگذاری در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار بوده است.

۵. بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی رابطه همزمان کیفیت نهادی، شمول مالی، توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی برای کشور ایران طی دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۲ بوده است. برای این منظور از رویکرد سیستم معادلات همزمان به روش SUR استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که متغیر کیفیت نهادی اثرات مثبت و معناداری بر شمول مالی در کشور ایران طی دوره مورد بررسی داشته است. در این رابطه استدلال می‌شود که یک دولت کارآمد از منظر غیر مداخله گر از نظر تئوریک با مقررات مناسب، سیستم مالیاتی مؤثر و درجه نسبتاً بالایی از بازاری شدن همراه است. بنابراین محدودیت‌های نظارتی نقش مهمی را در ارائه دسترسی افراد (به ویژه فقرا) به کانال‌های تامین مالی متعدد نشان می‌دهد. این مطالعات همچنین فرض می‌کنند که در صورت وجود نقص بازار، وام گرفتن برای نمایندگان پرهزینه و چالش برانگیز است. در نتیجه، این عوامل تغییر جهت شغلی فعلی خود را با غنی سازی سرمایه انسانی انباشته خود در نظر می‌گیرند. با این حال، آنها ثروت کافی به عنوان وثیقه نداشته‌اند. علاوه بر این، خانوارهای فقیر به دلیل هزینه‌های بالای اداری و ردیابی، که عمدتاً به ماهیت انحصاری مشترک بانک‌ها نسبت داده می‌شود، از فعالیت‌های مالی منصرف

می‌شوند. بنابراین با توجه به این که صورت‌های مالی بانک‌ها یا شرکت‌ها و شاخص‌های کلان اقتصادی برای توضیح تصمیم‌های ارائه خدمات مالی یا برقراری ارتباط وام دهی با مؤسسات مالی رسمی استفاده می‌شود، عوامل محیطی باعث عدم دسترسی به خدمات مالی و تخصیص ناکارآمد مالی می‌شوند.

این نتیجه‌گیری با یافته‌های بدست آمده توسط ازیریم و همکاران (۲۰۲۰)، لاو و پریا (۲۰۲۱)، آندریانووا و همکاران (۲۰۲۳) و ذوالخیری و غزال (۲۰۲۳) مطابقت دارد.

دیگر یافته‌ها نشان داد که متغیر شمول مالی نیز اثرات مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی در کشور ایران داشته است. در این رابطه استدلال می‌شود که توسعه شمول مالی بواسطه تولید اطلاعات برای ارزیابی فرصت‌های سرمایه‌گذاری؛ نظارت بر فرآیند سرمایه‌گذاری و بهبود حاکمیت شرکتی؛ تبادل، متنوع سازی و مدیریت ریسک؛ تجهیز و انباشت پس انداز؛ و در نهایت مبادلات کالا و خدمات و از طریق تخصیص کارا تر منابع، تسهیل انباشت سرمایه (فیزیکی و انسانی) و توسعه فناوری می‌تواند منجر به رشد اقتصادی بیشتر منجر گردد. همچنین توسعه شمول مالی منجر به دسترسی به خدمات مالی مقرون به صرفه، منجر به کاهش آسیب‌پذیری فقرا و بهبود استاندارد زندگی آنها می‌گردد. به این صورت که اعطای اعتبارات کم هزینه، زمینه را برای رشد تولید در مناطق روستایی فراهم کرده و سطح تولید و درآمد گروه‌های آسیب‌پذیر را افزایش می‌دهد. این رشد تولید در سطح خرد، با گسترش مقیاس اعتبارات می‌تواند به رشد و توسعه تولید ملی در سطح کلان بینجامد. همچنین افزایش دسترسی افراد فاقد بر خورداری مالی به سپرده و محصولات بیمه‌ای منجر به انباشت پس انداز این افراد در نظام مالی شده و سپس بازار مالی، تخصیص کارآمد وجوه را در طرح‌های سرمایه‌گذاری بلند مدت تضمین می‌کند. به این ترتیب بازار مالی، ریسک نقدینگی را کاهش داده و باعث رشد بیشتر سرمایه‌گذاری می‌شود. این فرآیند همچنین منجر به افزایش تولید و اشتغال، بهبود توزیع درآمد و افزایش درآمد فقرا می‌گردد. این نتیجه‌گیری با یافته‌های بدست آمده توسط وان و همکاران (۲۰۲۳)، چیاک و همکاران (۲۰۲۰) و احمد و مالیک (۲۰۱۹) مطابقت دارد.

در نهایت مشاهده شد که توسعه اجتماعی منجر به بهبود رشد اقتصادی در کشور ایران شده است. در این رابطه استدلال می‌شود که اگر توسعه اجتماعی در سطوح پایینی قرار داشته باشد و مثلاً نابرابری وجود داشته باشد، بر کیفیت زندگی افراد تأثیر نامطلوب می‌گذارد و منجر به بروز فقر بیشتر می‌شود و بنابراین مانع پیشرفت در بهداشت و آموزش و افزایش جرم می‌شود و مشخص شد که نابرابری بالا ثبات سیاسی یک کشور را تهدید می‌کند، زیرا افراد بیشتری از وضعیت اقتصادی خود ناراضی هستند، که دستیابی به اجماع سیاسی در میان گروه‌های جمعیتی با درآمدهای بالاتر و پایین تر را دشوارتر می‌کند. بی‌ثباتی سیاسی خطرات سرمایه‌گذاری در یک کشور را افزایش می‌دهد و به طور قابل توجهی پتانسیل توسعه آن را تضعیف می‌کند. اینها از جمله دلایلی است که برخی از کارشناسان بین‌المللی توصیه می‌کنند برای کمک به تسریع رشد اقتصادی، نیاز است تا توسعه اجتماعی در کشور رخ دهد. این نتیجه‌گیری با یافته‌های بدست آمده توسط متقی (۱۳۹۶)، دلار و کرای (۲۰۲۲)، روونی و لی (۲۰۲۳) مطابقت دارد.

با توجه به نتایج تحقیق که نشان می‌دهد کیفیت نهادی منجر به بهبود و توسعه شمول مالی در کشور ایران شده است، پیشنهاد می‌گردد که مقامات نظارتی و اجرایی در کشور تلاش نمایند تا از طریق بهبود کیفیت نهادی و مولفه‌های آن از قبیل حاکمیت قانون، کیفیت نظارتی، آزادی سرمایه‌گذاری و اثر بخشی دولت، زمینه برای ارتقا و گسترش شمول مالی در کشور را فراهم سازند.

علاوه بر این، با توجه به این که شمول مالی بر رشد اقتصادی کشور ایران اثر مثبت و معنی داری داشته است، پیشنهاد می‌گردد قانون‌گذاران در بخش مالی و به طور خاص گستره خدمات مالی در کشور، تلاش نمایند تا سرمایه‌گذاری‌های لازم در زمینه توسعه زیرساخت‌های مالی و گستره خدمات و امکانات مورد نیاز مردم در اقصاء نقاط کشور فراهم گردد تا از این طریق و ضمن بهبود وضعیت شمول مالی در کشورها، زمینه برای بهبود رشد اقتصادی فراهم گردد.

در نهایت، با توجه به این که توسعه اجتماعی بر رشد اقتصادی کشور ایران اثرات مثبت و معنی داری داشته است، پیشنهاد می‌گردد سیاست‌گذاران در بخش کلان اقتصادی و اجتماعی کشور تلاش نمایند تا از طریق بهبود مولفه‌های توسعه اجتماعی همانند توزیع بهتر درآمد، کاهش فقر، بهبود سطح تحصیلات و ... زمینه برای ارتقای رشد اقتصادی کشور را فراهم نمایند.

منابع

بالونزاد نوری، ر و شجری پور، ش (۱۴۰۰). بررسی رابطه علیت میان رشد اقتصادی و شمول مالی: کاربردی از روش علیت بوت استرپ، نظریه‌های کاربردی اقتصاد سال هشتم زمستان ۱۴۰۰ شماره ۴.

سرافرازی، م و شاه آبادی، ا و سلیمی، ص (۱۴۰۱) مولفه‌ها و ابعاد حکمرانی خوب و نقش آن بر رشد و شکوفایی اقتصادی کشورهای در حال توسعه. نشریه سیاست علم و فناوری، ۷(۲)، ۳۵-۴۶.

صفریان، ر و شهرام نیا، ا، م و امام جمعه زاده، س ج و مسعودی نیا، ح (۱۳۹۹). الگوی حکمرانی خوب و توسعه اقتصادی در ایران و ترکیه (۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷) (مقاله علمی وزارت علوم)، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۱ (۶۰)، ۱۱۱-۸۶.

متقی، س (۱۳۹۶). بررسی نقش توسعه اجتماعی بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی: کشورهای ایران و ترکیه)، مطالعه توسعه اجتماعی ایران، ۹ (۳)، ۶۸-۵۷.

مفتخری، ف، و نادمی، ی، و کاوند، ع (۱۴۰۰). تاثیر سرمایه اجتماعی بر رابطه سرمایه انسانی و رشد اقتصادی، پژوهشنامه اقتصاد کلان، ۱۶ (۳۱)، ۱۹۸-۱۷۹.

- A. Banerjee, A. Newman (2013). Occupational choice and the process of development, *J. Polit. Econ.*, 101 (2), pp. 274-298
- A. Barajas, T. Beck, M. Belhaj, S.B. Naceur (2024). Financial inclusion: what have we learned so far? What do we have to learn? (2024), IMF working paper No. WP/20/57.
- A. Demirgüç-Kunt, V. Maksimovic (2008). Law, finance and firm growth, *J. Finance*, 53 (6) (2008), pp. 2107-2137
- Ahmad, M., Majeed, A., Khan, M. A., Sohaib, M., & Shehzad, K. (2022). Digital financial inclusion and economic growth: Provincial data analysis of China. *China Economic Journal*, Volume 14, Issue 3, pp 1-20.
- Aman Pushp and Rahul Singh Gautam and Vikas Tripathi and Jagjeevan Kanoujiya and Shailesh Rastogi and Venkata Mrudula Bhimavarapu and Neha Parashar (2023). Impact of financial Inclusion on India's Economic Development under the Moderating Effect of Internet Subscribers, *J. Risk financial Manag.* 2023, 16, 262. <https://doi.org/10.3390/jrfm16050262>.
- B. Hechmy (2021). Governance and financial development: evidence from the Middle East and North Africa region, *Economet. Res. Finan.*, 1 (2), pp. 115-127.
- Barro, R. (1996). "Health and economic growth", Mimeo. Dge, MA: Harvard University World Health Organization, world Health Statistics, 2006. 3.
- Barro, Robert and Jong-Wha Lee. (2007). "Schooling Quality in a Cross-Section of Countries." Working paper 6198. Cambridge, Mass.:National Bureau of Economic Research.
- Bloom, D. Canning, D., Sevilla, J., (2019). Economic Growth and Demographic Transition .
- C.B. Ezirim (2020). The Nigerian financial superstructure, financial intermediation, and environmental factors, *J. Afr. Bus.*, 5 (2), pp. 137-161
- D. Avom, C. Bangake, H. Ndoya (2021). Does bank concentration stem from financial inclusion in Africa?, *Appl. Econ.*, 54 (28), pp. 3261-3278.
- D.H. Vo, N.T. Nguyen, L.T.H. Van (2022). Financial inclusion and stability in the Asian region using bank-level data, *Borsa Istanbul Rev.*, 21 (1), pp. 36-43.
- D.W. Kim, J.S. Yu, M.K. Hassan (2021). Financial inclusion and economic growth in OIC countries, *Res. Int. Bus. Finance*, 43 (7), pp. 1-14.
- Dollar, David and Aart Kraay. (2022). "Growth is Good for the Poor." *Journal of Economic Growth*. Vol. 7 No. 3, pp. 195.
- Dziewkański, F.; Prus, M (2020). Concentration, competition and financial stability in the South-East Europe banking context. *International Review of Economics & Finance*, 76, 639-670.
- E.S. Shaw (1973). *Financial Deepening in Economic Development*, Oxford University Press, New York, NY (1973).

- Ehsanul Haque Shipon (2023). How Important Is Social Development for Economic Growth?, <https://www.researchgate.net/publication/372719766>. July 2023.
- Emara, Noha and El Said, Ayah (2021). Financial Inclusion and Economic Growth: The Role of Governance in Selected MENA Countries, Online at <https://mprapa.ub.uni-muenchen.de/99257/> MPRA Paper No. 99257, posted 27 Mar 2020 07:51 UTC.
- FAS (2021). <https://data.imf.org/?sk=E5DCAB7E-A5CA-4892-A6EA-598B5463A34C>
- Forsythe, Nancy, Roberto Patricio Korzeniewicz, and Valerie Durrant. (2020). "Gender Inequalities and Economic Growth: A Longitudinal Evaluation." *Economic Development and Cultural Change*. Vol. 48 No. 3, pp. 573-617.
- Guiso, L., Sapienza, P., & Zingales, L., (2016), The role of social capital in financial development, *American economic review*, 94(3): 526-556.
- Hadri, K. & Rao, Y. (2008). Panel stationarity test with structural breaks. *Oxford Bulletin of Economics and statistics*, Vol. 70(2), pp.245-269.
- I. Love, M.S.M. Peria (2021). How Bank Competition Affects Firms' Access to Finance, *World Bank Policy Research Working* (2021), Paper No. 6163.
- J.A. Karikari (2020). Governance, Financial Liberalization, and Financial Development in Sub-saharan Africa, *African Economic Conference* (2020) November 2020.
- J.A. Schumpeter (1991). *The Theory of Economic Development*, Harvard University Press, Cambridge (1911)
- Janelle Jones (2020). *Economic Growth and Social Development*, Illinois State University ISU ReD: Research and eData.
- L.T.H. Van, A.T. Vo, N.T. Nguyen, D.H. Vo (2019). Financial inclusion and economic growth: an international evidence, *Emerg. Mark. Finance Trade*, 57 (1), pp. 239-263
- Loan Thi-Hong Van, Nhan Thien Nguyen, Hung Le-Phuc Nguyen, Duc Hong Vo (2023). The asymmetric effects of institutional quality on financial inclusion in the Asia-pacific region, *Heliyon* Volume 8, Issue 12, December 2023, e12016.
- M. Cihak, A. Demirguc-Kunt, E. Feyen, R. Levine (2023). Financial development in 205 economies, 1960 to 2020, *J. Finan. Persp.*, 1 (2), pp. 17-36
- M. Cihak, D.S. Mare, M. Melecky (2020). The Nexus of Financial Inclusion and Financial Stability: A Study of Trade-Offs and Synergies, *World Bank Working Paper No. 7722*, Washington DC (2020).
- M. Pagano, P. Volpin (2021). The political economy of finance, *Oxf. Rev. Econ. Pol.*, 17 (4), pp. 502-519
- M. Talmaciu (2021). Emerging market queries in finance and business: study on the relationships between institutions, governance and leadership and regional development policy in Romania, *Procedia Econ. Finance*, 15, pp. 1281-1288.
- M. Zulkhibri, R. Ghazal (2023). The impacts of governance and institution on financial inclusion: evidence from Muslim countries and developing economies, *JKAU Islamic Econ.*, 30 (Special issue) (2023), pp. 37-60.
- M.M. Ahamed, S.K. Mallick (2019). Is financial inclusion good for bank stability? International evidence, *J. Econ. Behav. Organ.*, 157 (14), pp. 403-427.
- Meshesha Demie Jima and Patricia Lindelwa Makoni (2023). financial Inclusion and Economic Growth in Sub-Saharan Africa—A Panel ARDL and Granger Non-Causality Approach, *J. Risk financial Manag.* 2023, 16, 299.<https://doi.org/10.3390/jrfm16060299>.
- Moris, I. (2009). Human Development and the Optimal Size of Government", *Journal of Socio-Economics*, 38: 326-330.
- N. Camara, D. Tuesta (2023). Measuring Financial Inclusion: A Multidimensional index (September 2023), *BBVA Research Paper No. 14/26*.
- N.T. Nguyen, H.S. Nguyen, C.M. Ho, D.H. Vo (2022). The convergence of financial inclusion across provinces in Vietnam: a novel approach, *PLoS One*, 16 (8), Article e0256524.
- P.W. Muriu (2023). Role Of Institutional Quality In Promoting Financial Inclusion. *AERC Research Paper No. 384*, African Economic Research Consortium, Nairobi (2023).
- Pesaran, M. H (2007), General Diagnostic Tests for Cross Section Dependence in Panels, "A Simple Panel Unit Root Test in Presence of Cross Section Dependence", *Journal of Applied Econometrics* 22: 265–312.
- Prasad, Naren. (2019). "Growth and social development in the Pacific Island countries." *International Journal of Social Economics*. Vol. 35 No. 12, pp. 930-950.
- R. La Porta, F. Lopez-de-Silanes, A. Shleifer, R. Vishny (2007), *Legal Determinants of External Finance*, 52 (3), pp. 1131-1150.
- R. Levine, N (2005). Financial intermediation and growth: causality and causes , *J. Monetary Econ.*, 46 (1), pp. 31-77.
- R. Levine, N. Loayza, T. Beck (2005). Financial intermediation and growth:, *J. Monetary Econ.*, 55 (2), pp. 77-98.

- R.I. McKinnon (1973). Money and Capital in Economic Development, Brookings Institution, Washington, DC (1973).
- Reuveny, Rafael and Quan Li. (2023). "Economic Openness, Democracy, and Income Inequality: An Empirical Analysis." Comparative Political Studies. Vol. 36 No. 5, pp. 575
- S. Adomako, A. Danso, J. Ofori Damoah (2022). The moderating influence of financial literacy on the relationship between access to finance and firm growth in Ghana, *Ventur. Cap.*, 18 (1), pp. 43-61
- S. Andrianova, B. Baltagi, P. Demetriades, D. Fielding (2023). Why do African banks lend so little?, *Oxf. Bull. Econ. Stat.*, 77 (3), pp. 339-359.
- S. Dahiya, M. Kumar (2020). The linkage between financial inclusion and economic growth: an empirical study of the emerging Indian economy, *Vision*, 24 (2), pp. 184-193.
- Sen, Amartya. (1998). "Mortality as an Indicator of Economic Success and Failure." *The Economic Journal.*" Vol. 108 No. 446, pp. 1-25.
- T. Eldomiaty, R. Hammam, R. El Bakry (2021). Institutional determinants of financial inclusion: evidence from world economies, *Int. J. Dev. Issues*, 19 (2), pp. 217-228.
- T.J. Abrahamsen, L.K. Hansen (2021). A cure for variance inflation in high dimensional kernel principal component analysis, *J. Mach. Learn. Res.*, 12 (58) , pp. 2027-2044.
- UNHDR. (2010), United Nations Human Development Report 1990, New York, Oxford University press.2010.
- Z.A. Karim, R. Nizam, S. H. Law, M. K. Hassan (2021). Does financial inclusiveness affect economic growth? New evidence using a dynamic panel threshold regression, *Finance Res. Lett.*, 46 (11), Article 102364.